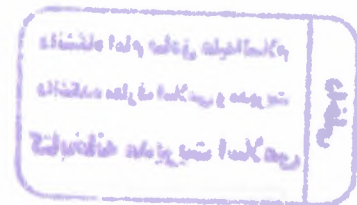


مدیریت اسلام

مهدی طبیب





فهرست

- پیشگفتار ۱۳
- نسبت میان دین و مدیریت ۱۵
- مقدمه ۱۵
- تفکیک ناپذیری در ابعاد وجود و زندگی انسان و در ساحت‌های دین .. ۱۶
- ملکوت اعمال و ضرورت وجود احکام اجتماعی دین ۲۰
- مدیریت اسلامی ۲۳
- مدیر مسلمان و اندیشه‌های مدیریتی پدید آمده در جوامع غربی ۲۵
- مقدمه ۲۵
- فرافرنگ و جهانشمول نبودن آثار محققان مدیریتی غرب ۲۶
- ضرورت تحقیق و تدوین مدیریت اسلامی ۳۰
- ضرورت نقد و گزینش ۳۱
- تذکر مهم ۳۳
- روش مدیریت اسلامی ۳۷
- مقدمه ۳۷
- ۱- فرد در آستانه مدیریت ۳۷
- مسئولیت پذیری ۳۷
- ایثارگرانه انجام وظیفه نمودن ۳۸
- ۲- روحیات و ملکات اخلاقی مدیر اسلامی ۴۲
- تقوا ۴۲
- اطاعت از فرامین الهی ۴۳

طیب، مهدی ۱۳۳۱-
مدیریت اسلامی / مهدی، طیب - تهران: نشر
سفینه ۱۳۷۸
ISBN: 978-964-92887-1-0
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا،
کتابنامه به صورت زیرنویس،
۱- مدیریت (اسلام) الف عنوان
م ۴۶ ط ۶۷/۲۳۲ BP
۲۹۷/۶۵۸
م ۷۹-۱۲۲۸۳
کتابخانه ملی ایران



نشر سفینه

نشانی: تهران، پل سید خندان، ابتدای بزرگراه رسالت، خیابان شهید کابلی، کوچه شهید آگاهی، شماره ۲۷
کدپستی: ۱۶۳۱۷۶۷۵۱۱ تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۴۶۵۴۱۶ صندوق پستی: ۱۴۱۸۵/۶۱۶ واحد نشر
تلفن مرکز پخش: ۰۲۱-۶۶۵۶۴۹۸۴ تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۱۲۵۲۸۲۶

مهدی طیب
مدیریت اسلامی

• نوبت چاپ: سوم، ۱۳۸۹ • کتاب آرای: موسسه فرهنگی خورشیدسواران • شمارگان (تیراژ): ۲۰۰۰ نسخه
• قیمت: ۳۵۰۰ تومان • طراحی جلد: ایمان نوری نجفی
• چاپ: سازمان چاپ و وزارت ارشاد • شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۲۸۸۷-۱-۰
• همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. © All right reserved
Printed in I.R.Iran

۷۰	ضابطه گرایی در گزینش
۷۲	آزمون گزینش
۷۲	ضوابط گزینش
۷۳	۱- کاردانی، مهارت و تجربه
۷۳	۲- شایستگی های روحی و صلاحیتهای اخلاقی
۷۳	الف - شرم و حیا
۷۳	ب - اخلاق کریمانه
۷۴	ج - آبروداری
۷۴	د - طمّاع نبودن
۷۴	ه - دوراندیشی
۷۵	اصالت خانوادگی
۷۵	ارجحیت نیروهای اندک کیفی و با انگیزه
۷۷	۶- انتصابات کلیدی (۱. قائم مقام، معاونین و رئیس دفتر)
۷۷	انتصاب قائم مقام، معاونین و رئیس دفتر
۷۸	فریب ظاهر افراد را نخوردن
۷۸	معیارهای انتخاب افراد برای مسؤولیتهای کلیدی
۷۹	۱- سابقه روشن و درخشان
۸۳	۲- صلاحیت اخلاقی
۸۴	۳- ظرفیت روحی
۸۴	۴- دقت نظر و هوشیاری
۸۵	۵- ظرفیت کاری
۸۶	۶- دقت نظر حقوقی و قانونی
۸۷	۷- مراعات حدود خود در کارها
۸۷	۸- حق گوئی
۸۸	۹- شهامت ایستادگی در برابر باطل

۴۵	کنترل نفس و مخالفت با تمایلات آن
۴۶	تافته جدا بافته ندانستن خود
۴۷	ساده زیستن و عدم رفاه طلبی
۵۰	پرهیز از غرور و خود بزرگ بینی
۵۱	پرهیز از خود پسندی و تمایل به مدّاحی و چاپلوسی
۵۳	پرهیز از دیکتاتوری
۵۵	پرهیز از تفکر مأمور و معذور
۵۷	۳- تصمیم گیری
۵۷	تصمیم گیری
۵۸	معیارهای تصمیم گیری
۵۸	۱- انطباق با حق
۵۸	۲- عادلانه تر بودن
۵۹	۳- رضایت مردم
۵۹	تصمیم گیری آگاهانه
۶۰	مشورت قبل از تصمیم گیری
۶۱	توجه به تجربیات و رویه های موفق گذشتگان و
۶۳	تأیید و تثبیت رویه ها و تصمیمات صحیح مدیران قبلی
۶۶	۴- دستور و اقدام
۶۶	دستور و اقدام
۶۶	حرکت طبق نظر مافوق
۶۷	دستور سنجیده
۶۸	دستور و اقدام بموقع
۶۹	قاطعیّت در دستور و اجراء
۷۰	۵- انتخاب کارکنان و انتصاب مسئولان
۷۰	اهمیت نقش پذیرش و استخدام در سازمان

انتظار منطقی از افراد	۱۱۵
پرهیز از عصبیت	۱۱۹
استفادهٔ بجا از نرمش و شدت عمل	۱۲۰
سالم‌سازی روابط افراد	۱۲۱
۹- نظارت، تشویق و تنبیه	۱۲۲
نظارت	۱۲۲
تشویق و تقدیر	۱۲۹
تنبیه	۱۳۱
۱۰- مدیر و جامعه	۱۳۲
مدیر و جامعه	۱۳۲
برخورد خوب با مردم	۱۳۳
حسن خدمت به مردم	۱۳۴
عشق ورزیدن به مردم	۱۳۶
رعایت مساوات در رابطه با مردم	۱۳۷
گرایش به توده‌ها	۱۳۸
دیدار با صاحبان حاجت	۱۴۰
ارتباط مستقیم و مستمر با جامعه	۱۴۲
صادقانه برخورد کردن با جامعه	۱۴۶
۱۱- مدیر و نزدیکانش	۱۴۹
مدیر و نزدیکانش	۱۴۹
مقابله با روحيات بد نزدیکان	۱۴۹
عدم اعطاء امتیازات ویژه	۱۵۰
عدم عقد قرار داد با نزدیکان	۱۵۱
مراعات بی طرفی و انصاف	۱۵۲
۱۲- مدیر و عبادت	۱۵۴

۱۰- پرهیزگاری و صداقت	۸۹
تعیین حقوق و وظائف در آغاز انتصاب	۹۰
معرفی مسئولین نصب شده به کارکنان	۹۲
تجدیدنظر در انتصابات	۹۴
۷- انتصابات کلیدی (۲. فرماندهان)	۹۵
ضوابط انتخاب فرماندهان	۹۵
۱- خیراندیشی برای مکتب و نظام	۹۶
۲- پاکدامنی	۹۶
۳- حلم و بردباری	۹۷
۴- رأفت نسبت به ضعفا و مقاوم بودن در برابر اقویا	۹۸
۵- قدرت و استقامت در کار	۹۹
۶- جوانمردی و مردانگی	۱۰۰
۷- اصالت خانوادگی	۱۰۰
۸- بلندی همت	۱۰۱
۹- شجاعت و دلیری	۱۰۳
۱۰- سخاوت و بخشندگی	۱۰۴
۱۱- سماحت و آسان‌گیری	۱۰۵
۸- نحوهٔ رفتار با کارکنان	۱۰۶
مسائل کارکنان	۱۰۶
پرداخت دستمزد مکفی	۱۰۷
رسیدگی پدرا نه به مشکلات پرسنل	۱۰۸
مدیر شریک دردها و الگوی تحمل	۱۱۰
ایثار مدیر در حق کارکنان	۱۱۱
ارزش قائل شدن برای تمامی گروه‌های شاغلین	۱۱۲
بازگذاشتن میدان ترقی	۱۱۴

احساس و اندیشهٔ ربّانی	۱۵۴
رابطهٔ خاصّ با خدا	۱۵۷
توجّه و اهمّیت دادن به نماز	۱۵۸
دعا و استمداد از خدا	۱۶۰

مدیر موفق	۱۶۱
مقدمه	۱۶۱
تعاریف	۱۶۱
۱. هدف	۱۶۱
۲. موقّعیّت	۱۶۲
۳. مطلوبیّت	۱۶۲
توجّه	۱۶۳
مدیر موفق	۱۶۳
مدیر مطلوب	۱۷۲
لوازم موقّعیّت مدیر	۱۷۵

نقش فرد در سازمان در جهت تحقّق کمال انسانی	۱۷۷
مقدمه	۱۷۷
روح حاکم بر روابط اعضا در سازمان	۱۷۹
رسالت و نقش های فرد در سازمان	۱۸۰
۱. تربیت زیردستان	۱۸۱
الف. جلب قلوب و جذب محبّت مرئوسان	۱۸۱
ب. مشخصّ و اعلام کردن شایسته ها و ناشایسته ها	۱۸۱
ج. تبیین تبعات رفتارهای شایسته و ناشایست	۱۸۲
د. نظارت مستمرّ، فراگیر و محسوس	۱۸۳

ه. نگاه داشتن مرئوسان در وضعیّت بین خوف و رجا	۱۸۳
۲. پذیرش و اطاعت از مافوق	۱۸۶
الف. پذیرش و تمکین قلبی سخنان مافوق	۱۸۶
ب. اطاعت و پیروی از دستورها و رهنمودها	۱۸۶
ج. همسانی و یگانگی	۱۸۷
توضیح ضروری	۱۸۹
۳. مواسات و تعاون با همطرازان	۱۹۰
الف. اعتماد متقابل و همکاری صمیمانه	۱۹۰
ب. اشتراک مساعی در جهت نیکی و تعالی	۱۹۱
گسترهٔ شمول مباحث فوق	۱۹۱
تحلیل رفتار فرد مسلمان و شیوه‌ای برای اصلاح رفتار	۱۹۳
مقدمه	۱۹۳
بینش فرد مسلمان	۱۹۴
الف. بینش فرد مسلمان دربارهٔ خداوند	۱۹۴
ب. بینش فرد مسلمان دربارهٔ جهان آفرینش	۱۹۵
ج. بینش فرد مسلمان دربارهٔ انسان	۲۰۰
روحیّات و احساسهای فرد مسلمان	۲۰۲
الف. روحیّات و احساسهای فرد مسلمان دربارهٔ خداوند	۲۰۲
ب. روحیّات و احساسهای فرد مسلمان دربارهٔ جهان آفرینش	۲۰۶
ج. روحیّات و احساسهای فرد مسلمان دربارهٔ زندگی خود	۲۰۷
رفتارهای فرد مسلمان	۲۰۹
مؤخّره	۲۱۰
نتیجه	۲۱۲

۲۱۵ معیارهای عمومی شایستگی و برتری نیروی انسانی
۲۱۵ مقدمه
۲۱۶ محسنات انسان
۲۱۶ ۱- حُسن ظاهر
۲۱۷ ۲- کمالات و جودی
۲۱۷ ۳- عقاید حقه
۲۱۸ ۴- بینش‌های الهی
۲۱۸ ۵- روحيات معنوی
۲۱۹ ۶- خصوصیات مثبت شخصیتی
۲۲۰ ۷- فضیلت‌های اخلاقی
۲۲۲ ۸- حُسن اظهار
۲۲۳ ۹- حُسن رفتار
۲۲۴ الف) حسن رفتار با خداوند متعال
۲۲۴ ب) حسن رفتار در رابطه با دیگر انسانها
۲۳۰ ج) حسن رفتار با محیط زیست و منابع و موجودات طبیعت
۲۳۰ د) حسن رفتار با مصنوعات و محصولات دست‌و‌اندیشه بشر
۲۳۱ هـ) حسن رفتار با موجودات ماوراء الطبیعه
۲۳۲ و) حسن رفتار با خود
۲۳۴ مؤخره

پیشگفتار

کاوش و بررسی به منظور شناخت مدیریت اسلامی، و پیروی مدیران مسلمان از ضوابط و الگوهای آن در امر هدایت و اداره سازمانهای جوامع اسلامی، امری ضروری و مهم است. آنچه نگارنده در این مجموعه در پی آن بوده پرداختن به جنبه‌هایی از این مهم است.

در نخستین بخش کتاب حاضر، به اختصار به تبیین نسبت میان دین و مدیریت، و این که آیا اساساً چیزی به نام مدیریت اسلامی قابل تصور بوده و وجود دارد، پرداخته‌ایم. بخش دوم را به بیان ارتباط میان اندیشه‌های مدیریتی و ویژگیهای فرهنگی و اعتقادی جوامع و در نتیجه نیاز مبرم ما به تحقیق و تدوین مدیریت اسلامی و برخورد نقادانه و گزینشی با اندیشه‌های مدیریتی پدید آمده در جوامع غربی اختصاص داده‌ایم. در سومین بخش کتاب، که مفصل‌ترین بخش نیز می‌باشد، با الهام از کلام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، شیوه عمل یک مدیر مسلمان در اداره سازمان، با بیانی ساده که برای کلیه مدیران در تمامی سطوح مدیریت و تحصیلات قابل درک باشد، مورد بحث قرار گرفته است. در بخش چهارم به تبیین معیارهای ارزیابی موفقیت مدیران از دیدگاه اسلام پرداخته‌ایم. بخش پنجم به تشریح نقشهایی که فرد در جهت نیل خود و دیگر کارکنان به کمال انسانی، در سازمان می‌تواند ایفا نماید پرداخته‌ایم و در قالب آن روابط شایسته هر یک از اعضای سازمان با فرادستان، هم‌پرازان و زیردستان خود را در این جهت تبیین نموده‌ایم. بخش ششم عهده دار تحلیل رفتار یک فرد مسلمان می‌باشد و با تبیین آن در صدد بوده‌ایم که از یک سو امکان درک بهتر رفتارهای کارکنان مسلمان را برای مدیر فراهم سازیم و از سوی دیگر مدیر مسلمان را با شیوه درست اصلاح رفتار

کارکنان بیشتر آشنا نماییم. در بخش هفتم معیارهای شایستگی و برتری نیروی انسانی را برشمرده‌ایم تا در گزینش استخدامی، انتخاب و نصب مدیران، و تعیین اهداف آموزش نیروی انسانی در سازمان، راهگشای مدیر مسلمان باشد.

اغلب بخشهای این مجموعه قبلاً در قالب نوشته‌های جداگانه منتشر شده بود، لیکن به این خاطر که با اتمام نسخه‌های قبلی، امکان دسترسی علاقه‌مندان به آنها وجود نداشت، و هم به این خاطر که با در کنار یکدیگر قرار گرفتن مباحث مزبور تصویر کامل‌تری از دیدگاههای نویسنده در زمینه مدیریت اسلامی در اختیار خوانندگان عزیز قرار می‌گرفت، با افزودن یک بخش جدید و اضافه نمودن نکته‌هایی به نوشته‌های سابق و انجام ویرایش لازم بر روی آنها، کتاب حاضر تنظیم و تقدیم علاقه‌مندان به آگاهی بیشتر در زمینه مدیریت اسلامی گردید. امید است انتشار این مجموعه موجبات خشنودی پروردگار و رضایت خاطر خوانندگان گرامی را فراهم آورد.

بمنه و فضله

مهدی طیب - مرداد ماه ۱۳۷۹ شمسی

نسبت میان دین و مدیریت

مقدمه

مطرح شدن اندیشه‌های سکولاریستی با بکارگیری ناروای ادبیات و اصطلاحات عرفانی، در ذهن برخی از افراد جامعه ما این پرسشها را مطرح ساخته است که: آیا میان دین و عملکردهای اجتماعی انسان می‌توان نسبتی قایل شد؟ و اگر رسالت دین را محدود به تأمین سعادت اخروی انسانها بدانیم، آیا تعیین تکلیف نمودن دین برای انسانها در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و دنیوی آنها بی معنا نیست؟ و آیا همان گونه که علوم محض و علوم تجربی و نیز فناوری و صنعت، فارغ از هر نوع تعلق و وابستگی به فرهنگ و دین جوامع یابنده، فراگیرنده و بهره‌بردارنده از آنها است، مقوله‌هایی چون اقتصاد، سیاست، حقوق و مدیریت را نیز نمی‌توان فارغ از چنین تعلق و وابستگی‌هایی دانست؟ و در نتیجه آیا همان گونه که طب دینی، ریاضیات دینی و صنعت دینی ترکیب‌هایی بی معنایند، اقتصاد دینی، سیاست دینی، حقوق دینی و مدیریت دینی نیز چنین نیستند؟^(۱) و بر این اساس، آیا می‌توان به چیزی به نام مدیریت اسلامی قایل شد؟ و حتی اگر بکاربردن چنین ترکیبی از

۱- نقد اندیشه‌های سکولاریستی نیاز به مجال گسترده‌ای دارد که مستلزم نگارش کتاب مستقلی در آن زمینه است و لذا از حد این کتاب که در پی مقصود دیگری است خارج می‌باشد. خوشبختانه در سالهای اخیر و در پی طرح پرسشهای فوق، کتابها و مقالات ارزشمندی در زمینه نقد سکولاریسم و تبیین ناسازگاری اندیشه‌های سکولاریستی با تفکر اسلامی تألیف و منتشر گردیده است که خوانندگان گرامی را به مطالعه آنها توصیه می‌کنیم.

اسلام و مدیریت را درست بدانیم، آیا معنایی جز بکار بسته شدن یافته‌های علم مدیریت، توسط مدیران دین باور، نیک خو، نیکو رفتار، پرهیزگار و مقید به مراعات حلال و حرام شرعی، خواهد داشت؟ در این بخش از کتاب به برخی از نکاتی که می‌تواند به برطرف شدن ابهامات و پاسخ پرسشهای مزبور کمک کند، به اختصار اشاره نموده‌ایم.

تفکیک‌ناپذیری

در ابعاد وجود و زندگی انسان و در ساحت‌های دین

وجود انسان گر چه دارای سه بُعد روح، روان و جسم است و پیکر جسمانی‌اش گر چه از اعضای متعددی ترکیب یافته است و قوای درونی‌اش نیز گرچه متعدد و متنوع است؛ اما تمامی ابعاد و اجزای وجود او در تعامل و تأثیر و تأثر متقابل با یکدیگر قرار دارند. این اجزاء چنان در هم بافته‌اند که از آنها حقیقتی واحد و منسجم به نام انسان پدید آمده است، به گونه‌ای که هر حادثه‌ای که برای یکی از اجزا و ابعاد وجود او رخ می‌دهد تمامی ابعاد و اجزای دیگر وجودش را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

جلوه‌ای از این پیوند و ارتباط ارگانیک را در جنبه‌های مختلف روحی و رفتاری انسان می‌توان مشاهده کرد. عقاید و جهان‌بینی فرد و نوع درک و تلقی او از امور، روحيات و خلقياتي که در روان او شکل می‌گیرند، احساس‌هایی که در قبال پدیده‌ها و رخدادها در درون او پدید می‌آید، و رفتارها و عملکردهای او در عرصه‌های گوناگون زندگی، همه با هم مرتبط بوده، بر یکدیگر تأثیر گذارده و از یکدیگر اثر می‌پذیرند.^(۱)

پیوند ارگانیک و ناگسستنی جنبه‌های گوناگون فردی و اجتماعی زندگی انسان

۱- این مطلب در بخش ششم کتاب به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

با عقاید و اخلاق او از مصادیق این حقیقت است. اعتقادات و اخلاقیات انسان با رفتارهای فردی، زندگی خانوادگی، فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... او عمیقاً در تعاملند. این پیوند و تعامل چنان شدید است که شناخت آن اندک تردیدی بر جای نمی‌گذارد که اندیشه تجزیه و تفکیک حوزه‌های مزبور از یکدیگر و برقرار ساختن حکم جداگانه‌ای در هر یک از آن قلمروها، رؤیا پردازی غیر واقع‌بینانه و خیالبافی پندارگرایانه‌ای بیش نیست.

بر اساس آنچه ذکر شد، انسانی که به جهان‌بینی الهی دست یافته و با نگرشی معنوی و توحیدی به انسان و جهان می‌نگرد و قلبش سرشار از احساسهای لطیف معنوی و عارفانه است، محال است در عرصه زندگی اجتماعی، به شیوه انسانی که به چیزی جز ماده محسوس و دنیای ملموس قایل نیست رفتار کند؛ و اگر به چنان شیوه رفتاری وادار شد و خو گرفت، به تدریج روحيات معنوی و تفکرات الهی‌اش متزلزل شده، زایل می‌گردد.

بر این مبنا ادیان الهی تنها به یک یا چند جنبه محدود از وجود انسان اکتفا نکرده و دارای نظامی فراگیر می‌باشند که تمامی عرصه‌های اندیشه، احساس، اخلاق، و عملکردهای فردی و اجتماعی او را در بر می‌گیرد. در نتیجه پیروان واقعی ادیان الهی کسانی هستند که در همه جنبه‌های درونی و برونی وجودشان از دین تأثیر پذیرفته و الگو می‌گیرند. این تأثیرپذیری، هم در روح حاکم بر زندگیشان و هم در شکل و قالب رفتارها و عملکردهای فردی و اجتماعی‌شان به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که در همه صحنه‌های زندگی، با روحیه‌ای خداخواهانه، معنویت‌گرایانه و آخرت‌جویانه، و با اعمالی مطابق با آنچه خداوند در قالب احکام دین تجویز کرده و رهبران معصوم الهی بدان رفتار نموده‌اند، حضور می‌یابند.

تأمل در آیات قرآن کریم و سخنان و سیره پیامبر اکرم و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) اندک تردیدی بر جای نمی‌گذارد که اسلام، به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، همان گونه که در حوزه‌های عقاید، اخلاق و عبادات، حاوی تعالیم گسترده‌ای است، در عرصه زندگی خانوادگی و در حوزه‌های گوناگون زندگی اجتماعی انسان،

اعم از شؤون اقتصادی، سیاسی، نظامی، حقوقی و ... دارای الگوها و دستورالعمل‌های جامعی می‌باشد. از این واقعیت می‌توان دریافت که مسلمان حقیقی کسی است که تمام ابعاد وجود و زندگیش را اسلام شکل داده باشد و همان گونه که در عقاید و افکار، در روحيات و اخلاق، و در عبادات و اذکار، از اسلام نقش پذیرفته است، در هنر، اقتصاد، سیاست، مدیریت، امور نظامی، شؤون حقوقی و تمامی جنبه‌های دیگر زندگی فردی و اجتماعی اش نیز از اسلام الگو گرفته باشد.

در دوران ما اشخاصی وجود دارند که نام مسلمان بر خود نهاده‌اند، اما در بین تعالیم اسلام، خود را صرفاً پذیرای جنبه‌های درونی و عبادی آن معرفی نموده و قواعد و الگوهای اسلام برای زندگی فردی و اجتماعی انسان را انکار می‌کنند و در قالب عباراتی نو، دعوی باطل دیرین برخی از مُشْتَبِه‌ان صوفیه را تکرار می‌کنند که "اهل طریقت و عرفان بی نیاز از گردن نهادن و تبعیت از احکام شریعتند"، و بر این سخن باطل خویش نام قرائت جدیدی از اسلام می‌نهند. اینان در واقع مصداق این آیات قرآن کریم‌اند که: *إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا*؛ هر آینه کسانی که به خدا و پیامبرانش ناباورند و در پی آنند که بین (عقیده به) خدا و (پیروی از احکام) پیامبرانش جدایی قایل شوند و می‌گویند: ما یکی را باور داریم و دیگری را مُنْکَریم، و (از این طریق) می‌خواهند راهی بین آن (یعنی داشتن عقاید و روحيات الهی و معنوی، بدون تبعیت و اجرای احکام دینی) بگیرند؛ آنان همان کافران حقیقی‌اند و ما برای کافران عذابی خوارکننده آماده ساخته‌ایم.^(۱)

برای زدودن این انحراف کافی است توجه کنیم که اسلام همچون انسان، حقیقتی چند بُعدی لیکن یکپارچه است و همان گونه که تصوّر موجودی به نام انسان مستلزم تصوّر کلیّه ابعاد وجودی وی است، پذیرش آیینی به نام اسلام نیز مستلزم پذیرش تمامی ابعاد اعتقادی، اخلاقی و فقهی آن می‌باشد. به بیان دیگر

۱- سوره نساء، آیات ۱۵۰ و ۱۵۱.

همان گونه که شکل، عطر و طعم سیب، سه مرتبه وجودی حقیقتی واحد به نام سیب می‌باشند و وجود سیب به معنای وجود پدیده‌ای است که همزمان و توأمان دارای شکل، عطر و طعم مزبور است؛ معارف اعتقادی، خلقیات درونی و احکام بیرونی دین، سه مرتبه وجودی حقیقتی واحد به نام دینند و پذیرش دین مستلزم پذیرش تمامی مراتب مزبور است. به تعبیر دیگر قلب و روحی که سرشار از معرفت و محبت خدا و اولیای الهی است، روانی پدید می‌آورد سرشار از خصایل نیکوی الهی و خلقیات شایسته انسانی؛ و چنان روانی، پیکری می‌سازد محلّ ظهور و جریان احکام و دستورات الهی. بنابراین، حقیقت، طریقت و شریعت لازم و ملزوم یکدیگرند و وجود هر یک از آنها مستلزم وجود دو امر دیگر می‌باشد.

به تعبیر قرآن کریم^(۱) وجود انسان الهی همچون چراغ پرنوری است که حبابی بر روی آن قرار گرفته و آن حباب را نور چراغ روشن و نورانی ساخته است و آن چراغ حبابدار، درون محفظه و چراغدانی قرار دارد که در اثر نور چراغ، روشن و منور گردیده است. قلب نورانیت یافته به نور ایمان، معرفت و محبت الهی، به منزله چراغ، روان تابناک و نورانی به نور روحيات معنوی و خلقیات انسانی، به مثابه حباب، و پیکر منور به نور اعمال صالحه و احکام الهی، به منزله چراغدان بوده و لازم و ملزوم یکدیگرند. محال است چراغ در درخشش و نورافشانی باشد ولی حباب و چراغدان ظلمانی و تاریک باشند.

به تعبیر دیگر قرآن کریم^(۲) وجود انسان الهی به منزله شجره طیّبه و درخت پاک و ارزشمندی است که ریشه آن در زمین دل موحد و سرشار از ایمان فرد استوار بوده، و شاخه‌های آن به صورت روحيات و اخلاق ستوده، در آسمان روان پاک و مطهرش گسترده است و هر دم میوه‌های تازه‌ای از کردارهای شایسته بر اعضا و اندام پیکرش پدیدار می‌گردند. بین ریشه، تنه، شاخه‌ها و میوه‌های درخت همواره سنخیت برقرار است و بر پیکر درخت سیب، هرگز میوه حنظل نمی‌روید. پس مسلمان بودن همان گونه که مستلزم داشتن نگرش الهی و معنوی و

۲- سوره ابراهیم، آیه ۲۴.

۱- سوره نور، آیه ۳۵.

روحیات و خُلُقیات پسندیده و اسلامی است، مستلزم داشتن عملکردی مطابق با ضوابط و احکام اسلامی در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی زندگی است و مسلمان حقیقی کسی است که در تمامی عرصه‌های فردی و اجتماعی زندگیش، نگرش عارفانه، اخلاق فاضله و اعمال مطابق با مقررات اسلامی را یکجا داراست. جامعه اسلامی راستین نیز جامعه‌ای است که در تمامی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، حقوقی، مدیریتی و... خود، روحیه معنوی و عارفانه، و اخلاق فاضله و خداپسندانه را همراه با التزام به مقررات و احکام الهی یکجا دارا است.

ملکوت اعمال

و ضرورت وجود احکام الهی در قلمرو امور اجتماعی

از دیدگاه اسلام همه پدیده‌ها در جهان هستی دارای دو جنبه‌اند، یکی ظاهر محسوس که از آن به "مُلک" تعبیر می‌شود^(۱)، و دیگری باطن نامحسوس که از آن به "ملکوت" تعبیر می‌گردد^(۲). اعمال و رفتار انسانها نیز مشمول این قاعده‌اند و علاوه بر مُلک و ظاهری که با دیده ظاهر و چشم سر قابل رؤیت است، ملکوت و باطنی دارند که چشم ظاهر قادر به مشاهده آن نبوده و حواس طبیعی انسان نمی‌تواند آن را درک کند^(۳). در قرآن و احادیث، به جلوه محسوس مُلکی و ظاهری

۱- سوره مائده، آیه ۱۲۰ و سوره مُلک، آیه ۱.

۲- سوره یس، آیه ۸۳.

۳- علاوه بر حواس ظاهری که در مُلک وجود انسان قرار دارند، انسان در باطن و ملکوت وجودش نیز دارای حواس مشابهی است که چنانچه در درون شخص، بیدار و فعال شوند، او قادر خواهد شد از طریق آن حواس، ملکوت اشیاء و اعمال را نیز ادراک نماید. به بیان دیگر همان گونه که چشم و گوش سر و بدن، صور و اصوات مادی را ادراک می‌کند، چشم و گوش سِر و دل می‌تواند صور و اصوات ملکوتی را دریابد. (سوره حج، آیه ۴۶ و سوره اعراف، آیه ۱۷۹ و سوره انعام، آیه ۷۵ و سوره اعراف، آیه ۱۸۵). بیدار و فعال شدن حواس باطنی، منوط به قطع تعلق و ادامه در صفحه بعد...

پدیده‌ها و اعمال، نام دنیا، و به جنبه نامحسوس ملکوتی و باطنی آن، نام آخرت داده شده است^(۱). در جهان پس از مرگ، جنبه ملکوتی اعمال و اندیشه‌های انسانها آشکار می‌شود و شکل و نحوه زندگی اخروی انسانها همان شکل و نحوه ملکوت افکار و اعمالی است که قبل از مرگ اختیار کرده و بدان پرداخته‌اند^(۲). بنابراین برای سعادتمندی اخروی، هر انسان، در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی زندگی خویش، نیازمند به در پیش گرفتن راه و روشی است که ملکوت آن نیکو و مطلوب باشد^(۳). در نتیجه حتی کسانی که تنها رسالت دین را زمینه سازی سعادت اخروی

ادامه از صفحه قبل...

دل بستگی استغلائی به دنیا و پدیده‌های این عالم است که در قرآن و احادیث، از آن به موت تعبیر شده است. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که: "مردم در خوابند؛ پس آن گاه که به موت نایل شدند، بیدار می‌گردند." (مجلسی، بحار، ج ۵۰، ص ۱۳۴، س ۷).

از آنجا که اغلب انسانها در طول زندگی، در دام دل بستگی‌های دنیوی باقی می‌مانند، تنها به جبر و اضطراب، در هنگام فوت از آن رها می‌شوند و به موت اضطرابی نایل می‌گردند؛ لذا تنها پس از مرگ و در جهان آخرت، حواس باطنی ایشان بیدار و فعال شده و به مشاهده ملکوت عالم و باطن رفتارهای خود قادر می‌گردند. (سوره ق، آیات ۱۹ تا ۲۲). البته اندک انسانهای برجسته‌ای وجود دارند که در دوران زندگی اینجهانی، از راه ترکیه و تهذیب نفس، به اراده و اختیار خویش، خود را از دام تعلقات و دل بستگیهای دنیوی رها ساخته و پیش از فوت، به موت اختیاری نایل می‌گردند. (مجلسی، بحار، ج ۷۲، ص ۵۹، س ۶ و ج ۹۸، ص ۶۳، س ۱۳ و ۱۴) و در اثر آن، حواس باطنی ایشان بیدار و فعال شده و به رؤیت و شهود ملکوت اشیاء و اعمال دست می‌یابند. به بیان دیگر آنچه را که دیگران پس از مرگ می‌بینند، یعنی آخرت را، قبل از مرگ و در دوران زندگی دنیویشان مشاهده می‌کنند.

۱- سوره روم، آیه ۷.

۲- سوره یس، آیه ۵۴ و سوره قصص، آیه ۸۴ و سوره زلزال، آیات ۷ و ۸.

۳- جهان زکارهایی که توسط انسان در عالم قابل انجام است به مثابه سفره گسترده‌ای است که خوراکی‌های متنوعی با طعم و مزه‌های گوناگون در آن چیده شده است و خوراکی‌های مزبور، که هریک با طعم و رنگ خاص خود، حاضران بر سر سفره را به خوردن جلب می‌کند، برخی سالم و مقوی و برخی دیگر مسموم و کشنده‌اند؛ لکن این امر از ظاهر آن‌ها قابل تشخیص نیست؛ لذا اگر کسی که از باطن آن خوراکی‌ها آگاه است حاضران را مطلع سازد و خوراکی‌های سالم و مقوی را از ادامه در صفحه بعد...

انسانها می‌دانند نیز ناگزیر به پذیرش این حقیقتند که دین می‌بایست همه عملکردهای انسان را، در همه حوزه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی، در قالب و قواره‌ای شکل داده و سامان بخشد که ملکوت و باطن آن اعمال و رفتارها، رضوان و جنت باشد، نه جهنم و دوزخ؛ لذا دینی که در صدد سعادت اخروی انسانهاست نمی‌تواند آنها را در عرصه عملکردهای اقتصادی، سیاسی، حقوقی و... به حال خود رها ساخته و فاقد احکام و دستورالعملهای لازم باشد^(۱). در نتیجه اسلام،

ادامه از صفحه قبل...

خوراکی‌های مسموم و گشنده متمایز نکند. تمامی حصار در معرض خطر مسمومیت و مرگ قرار می‌گیرند.

بشر که از باطن و ملکوت اندیشه‌ها، خلیفات و اعمالی که می‌توان در این عالم اختیار کرد بی اطلاع است همین حکم را دارد؛ لذا خدای متعال که بر غیب و شهادت، ملکوت و ملک، و باطن و ظاهر عالم آگاه است و خیرخواه و مهربان نسبت به انسان نیز می‌باشد؛ در قالب ادیان الهی، او را از نافع و زیبا و یا زیانبخش و زشت بودن ملکوت افکار، روحیات و اعمالی که انسان در معرض آنها قرار دارد، آگاه ساخته است. انسان نیز که به سعادت خود علاقمند است، به حکم منطق و عقل، می‌بایست حرکت خود در عرصه زندگی را، در قالب این رهنمودها تنظیم و برنامه‌ریزی کند.

به تعبیر دیگر، عرصه زندگی همچون سرزمینی است که علی‌رغم ظاهر یکدست و مشابه آن، برخی نقاطش مین‌گذاری شده است. لکن نمی‌توان از ظاهر زمین، نقاط بی‌خطر و خطرناک را شناخت و تمیز داد. زندگی امن و سالم اشخاص در این سرزمین، منوط به این است که فردی که دقیقاً نقاط مین‌گذاری شده را می‌شناسد و دوستدار و خیرخواه آن اشخاص می‌باشد، آنها را از نقاط امن و مناطق خطرناک آگاه سازد و آن اشخاص نیز به دقت، از راهنمایی‌های او تبعیت نمایند. خداوند خبیر و مهربان، در قالب ادیان الهی، این آگاهی‌ها را در اختیار بشر قرار داده است. بشر نیز به حکم خرد، می‌بایست از آن تعالیم تبعیت کند.

بر اساس فوق به روشنی می‌توان پی برد که چرا قرآن کریم و احادیث و سیره معصومین علیهم‌السلام، همه عرصه‌های اندیشه، اخلاق و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان را در بر گرفته و در همه آن حوزه‌ها عهده‌دار راهنمایی و راهبری بشر شده است.

۱- قرآن کریم ملکوت خطرناک برخی فعالیت‌های اقتصادی، از قبیل رباخواری (سوره بقره، آیه ۲۷۵) و خوردن ظالمانه اموال یتیمان (سوره نساء، آیه ۱۰) و بعضی فعالیت‌های فرهنگی، از قبیل

ادامه در صفحه بعد...

قطعاً دارای نظام و دستورالعملهای اقتصادی، سیاسی، حقوقی و... است و نام جامعه اسلامی را تنها به جامعه‌ای می‌توان اطلاق کرد که اقتصاد اسلامی، حقوق اسلامی، سیاست اسلامی، مدیریت اسلامی و... در آن حاکم باشد. فارغ از معیارها و ضوابط اسلامی به مقوله‌های اقتصاد، حقوق، سیاست، مدیریت و... پرداختن، با اسلامی بودن جامعه در تعارض است.

مدیریت اسلامی

مباحث فوق بخوبی از ضرورت شناخت و عمل به مدیریت اسلامی، به معنای نظام و شیوه‌ای که اسلام برای مدیریت بر سازمان و جامعه مقرر نموده است، پرده برداشت و روشن ساخت که لازمه مسلمان بودن مدیر و اسلامی بودن جامعه، حاکم شدن چنین سبک و شیوه‌ای در مدیریت سازمان و جامعه می‌باشد. در اینجا اشاره به نادرست بودن دو تفسیر مطرح شده از مدیریت اسلامی را لازم می‌دانیم.

برخی اشخاص گمان می‌برند که صرف مسلمان بودن حاکم و مدیر، برای اسلامی بودن حکومت و مدیریت کافی است. در حالی که با توجه به توضیحات فوق، آشکار شد که حکومت و مدیریت اسلامی وقتی تحقق می‌یابد که هم حاکمان و مدیران اشخاص دین‌باور، پرهیزگار، خوش خلق، صالح‌العمل و با حسن نیتی باشند و هم شیوه اعمال حکومت و مدیریت آنان منطبق بر معیارها و الگوهای حکومتی و مدیریتی مقرر در شریعت باشد.

همچنین برخی گمان می‌کنند که خردورزی رها از قید تفکر دینی، به هر نکته و

ادامه از صفحه قبل...

کتمان حقایق کتب آسمانی و دین‌فروشی (سوره بقره، آیه ۱۷۴) و... را بیان نموده است. این امر به نحو گسترده‌تری در احادیث معصومین علیهم‌السلام مورد تبیین قرار گرفته است. آیات و احادیث مزبور به صراحت بر پندار بی‌نیازی انسان از پیروی از دستورالعملهای الهی در عرصه فعالیت‌های اجتماعی خط بطلان می‌کشد و ضرورت ملاک عمل قرار گرفتن دستورات دین در حوزه امور اجتماعی را آشکار می‌سازد.

روشی در زمینه شیوه اداره جامعه و سازمان دست یافت، صرف نظر از این که نکات و روشهای مزبور با جهان بینی و انسان شناسی و با ضوابط و قواره های حکومتی و مدیریتی اسلام سازگار باشد یا خیر، چنانچه به کار بستن آن نکات و روشها به اشخاص متدین و با تقوا سپرده شود، می توان آن را همان چیزی دانست که اسلام خواسته است و در نتیجه می توان به آن نام حکومت و مدیریت اسلامی اطلاق کرد. نادرستی و غیر قابل تأیید بودن این گمان نیز با توجه به مطالب فوق، آشکار است^(۱).

۱- بطلان این پندار در بخش آینده کتاب به نحو مشروح تری مورد بحث قرار گرفته است.



آیا میان دین و مدیریت نسبتی وجود دارد و سخن گفتن از مدیریت اسلامی بجاست؟ مدیر مسلمان با اندیشه‌های مدیریتی پدید آمده در جوامع غربی چگونه باید مواجه شود؟ روش اسلامی مدیریت چیست؟ ویژگی‌های یک مدیر مسلمان چیستند؟ مدیر اسلامی چگونه به تصمیم‌گیری و صدور دستور می‌پردازد؟ معیارهای گزینش نیروی انسانی در مدیریت اسلامی چیست؟ از دیدگاه مدیریت اسلامی، انتصابات براساس چه ضوابط و به چه نحوی باید انجام پذیرد؟ وظایف مدیر اسلامی در قبال کارکنان سازمان خود چیست؟ نظارت، تشویق و تنبیه در مدیریت اسلامی چگونه اعمال می‌شود؟ مدیر اسلامی چگونه با جامعه ارتباط برقرار می‌نماید؟ معیارهای موفق بودن یک مدیر از دیدگاه اسلامی چیست؟ هریک از کارکنان نسبت به رده‌های بالاتر، هم‌تراز و پایین‌تر از خود چگونه باید رفتار کند؟ رفتارهای کارکنان مسلمان در سازمان چگونه قابل تحلیل است و مدیر اسلامی برای اصلاح و بهبود آن، چگونه می‌تواند اقدام نماید؟ معیارهای عمومی شایستگی و برتری نیروی انسانی که گزینش، آموزش و انتصابات در سازمان براساس آن صورت می‌گیرد، چیست؟



کتاب حاضر، در صدد است تا با استناد به منابع اصیل اسلامی، به پرسش‌های فوق، پاسخ‌هایی درخور ارائه نماید.



نشرسفینه

ISBN 978-964-92887-1-0



9 789649 288710